

خوابهای پروفیسر رسول رهین

که حکامش جنایت کار ها شد
که پوهاندش به جلد مارها شد

خدا آن ملتی را دربدر کرد
به آن ملت هزاران تنگ بادا

جناب پوهاند صاحب عبدالرسول رهین: میگویند افتاب که غروب میکند نورش کم میشود و آدمی که پیر شد عقل اش... تملق گویی های شما برای عبدالله عبدالله این جنایتکار جنگ های تنظیمی و نوکر سرکش ای اس ای پاکستان به حیث یک استاد یک دانشمند و یک پروفیسر پوهنتون کابل مایه شرمساری تمام استادان و محصلین پوهنتون کابل است. شما وقتی با پررویی تمام میگوید مجاهد بزرگ، سیاستمدار سترگ، دانشمند پرتحرک و باتجربه، شخصیت اجتماعی و فرهنگی شایسته کشور عزیز ما افغانستان، ازین کلمه های مقدس برای شریک های کشتار شصت هزار کابلی و ویران کردن خانه و کاشانه مردم کابل مدیحه سرایی میکنید نمیترسید که اگر زنده باشید مردم از یخن شما خواهند گرفت و اگر مرید بر گور شما دشنام خواهند داد.

با کدام جرئت برف بام خود را به خانه دیگران انداخته میگوئید. عبدالله عبدالله، یاران شورای نظاری اش چون برادران مسعود، جنرال عطا در بلخ، آل برهان الدین ربانی، سیاف، قانونی، اسماعیل خان، جنرال فهیم و دیگران ملین دالر های که بانک های امارات را میچرخاند از مزد شصت خود و یا از میراث پدری کمایی کرده اند. تمام پارک های خیرخانه، چمن ببرک، شیرپور و زمین های پغمان را کی چور کرد و کانال های صدور هیروئین به کشور های آسیایی میانه، تجارت زرد، لاجورد و یاقوت را از طریق همین کانال ها سمت شمال را چه کسانی رهبری میکنند. اگر شما میدانید و خود را خب زده و چاپلوسی جنایتکاران را میکنید خائین هستید و اگر خبر ندارید عذر بدتر از گناه...

آقای عزیز تمام پارک های سبز خیر خانه در همان روز های اول پیروزی رهبر محبوب شما مسعود قهرمان توسط اقوام و خویشاوندان و نفرات، قوماندان عظیم، قوماندان پناه، انور دنگر، مارشال صاحب فهیم و حاجی رحیم پنجشیری غصب گردید. هزاران خانه پخته و نیم پخته در چمن ببرک تا یمنی دشت برچی در اسرع وقت آباد شد. اینها حقایقی است که همین حالا قابل دید است.

آقای عبدالرسول رهین همیقدر بس است که در سایت تفرقه افکن خود چند تا بی سر پای را میدان میدهد که بنام شورای نظار قهرمان تراشی نموده بیشرمانه برای تداوم اشغال، چاکری امریکا انگلیس و ریختن آب به آسیاب نظامیان پاکستان خدمت کنند.

آقای رهین دختران و زنان را در سرپل، سمنگان، بغلان و فاریاب چه کسانی مورد تجاوز قرار داده است؟ دختر زن بیوه را در تخار کدام قوماندان جهادی و مربوط کدام جبهه بعد از تجاوز در مقابل یک سگ جنگی معاوضه کرده است. بفرمائید در راس وزارت آب و برق چه کسی وزیر بود که عوض ساختن فابریکه های برق و بند های آب گردان پول های باد آورده را به حساب عروس و نواسه اش به بانگ های فرانسه سرازیر کرد. بعد از همین رئیس جمهور که امروز شما پی تخریب اش بز دلانه سنگر گرفته اید در معاونت اول او کی تکیه زده بود.

میگویند به ترس از کسی که نمیداند و میگوید و فرار کن از کسی که میداند ولی کتمان میکند. آقای پروفیسر رهین آیا کشتار شاگردان در بغلان، کشتار در شبرغان جرم شمرده میشود ولی کشتار و قتل عام مردم افشار، کشتار هزاران بیگناه شهر کابل و اطراف آن جرم نیست؟ چرا دیوار را یک رویه گل میکنید این متجاوزین به مال ناموس و شرافت مردم چه کسانی بودند. مگر فرزند حاجی ستار سر پل که یکی از تفنگداران جمعیت اسلامی است تا حالا آزاد نیست.

آقای رهین معاش های دالری و فساد اداری را چه کسانی مرتکب هستند. از همان اوان تشکیل حکومت دست نشانده کرزی در راس همه قدرت های اجرایی و عدلی همین جهادی های شما و همین تفنگسالار ها بودند. اگر میگوید نه بفرماید به جر یک و با دو وزارت حساب کنید که ریاست پارلمان مشرانو جرگه، قوه قضایه و دادستانی را چه کسانی به فیضه خود داشتند.

آقای رهین قدم های ملی، میهنی و سرتاسری برای رفا و آسایش متوازن را به کدام حساب ها طرح میکنید. آیا شما و دوستان شما با قلم های زهراگین علیه ملیت پشتون قرار گرفتند یا کسی دیگر، آیا شعار خراسان بزرگ، شناسایی خط دیورند، سپردن نیمه از خاک وطن را به القاعده و طالبان پاکستانی دوستان شما و طریق همین سایت تفرقه افکن خاوران تبلیغ نمیکنند. آیا دوستان شما قهرمانان میهن را به باد ناسزا نمیگیرند؟ مگر از بین بردن تفاوت های نسبی

بین شهر نشینان و روستاییانرا در کدام ساحات در نظر دارید. اینها تعبیری از خواب های پریشان شما بعد از شکست ننگین در انتخابات نیست که در عالم وهم و خیال بر رخ حریفان میکشید.

بعد از شکست کمونیست ها و آمدن شما جهادی به کابل فکاهی یکبار زبازد دهان مردم بود که شخصی ماهی ای را از دریا گرفته و به خانه میآورد و به خانمش میگوید تا آنرا پخته کند. خانمش میگوید نه آب است، نه برق و نه چوب سوخت پس ماهی را چگونه پخته کنم. ماهی را دوباره در آب رها کن. درینوقت ماهی بصدا آمده میگوید زنده باد حکومت اسلامی...

آقای پروفیسور زبان و ادبیات اگر سیاست میکنید راهی برای شما پیشنهاد میکنم. از چتیات گویی صرفنظر کنید. این سخنان شما که میگوید کارمندان با وجدان دولتی شب و روز کار میکنند و مزد ناچیز میگیرند و کارمندان بیوجدان که از شرارت و وحشت یاران مجاهد و طالب شما به غرب پناهنده شدند و حالا دوباره به وطن بر گشته و معاش دالری میگیرند و زندگی خوبی دارند را بدوش کی میاندازید. بفرماید نسلی که هم اکنون در افغانستان چهل ساله است از نعمت سواد محروم است. شما مکاتب را بر روی آنان بستید. شما روستا ها را با میکروب بنیاد گرایی آغشته کردید. شما مکاتب را آتش زده و معلمین را سر بریدید. حالا دیگر متخصص را از کوه پایه های سمت شمال میآورید یا از واخان؟

و یا اینکه بهتر میدانید که حتی مدیران عادی و حتی پیاده دفتر باید امریکایی و انگلیسی باشد. خیال نکنید که من با این انتقاد به جناب شما بخاطر کسی کمپاین تبلیغاتی میکنم. میدانم که تاوقتی جنایتکاران جنگی به سزای اعمال نرسند و تا وقتی دست های ناپاک شان از امور سیاسی و فرهنگی کشور ما قطع نگردد همین خرک است و همین درک. وای به لحظه که جنایت پیشه مالک قدرت همگانی شود.